

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال دهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳

صص ۷۶-۹۴

## بررسی و شناسایی متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی

دکتر هادی زرقانی\* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر هادی اعظمی - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

راحله احمدی - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۲۷

### چکیده

مهم‌ترین دغدغه هر حکومت و نظام سیاسی دستیابی به ثبات و امنیت پایدار است. ثبات سیاسی حکومت عبارت است از اینکه ماهیت نظام سیاسی علی‌رغم وجود برخی نوسان‌ها و گذر از بحران‌های مختلف، ثابت و پایدار باقی بماند. از طرفی، هر نظام سیاسی پویا در تعامل با محیط داخلی و خارجی خود، به ناچار درگیر تنش‌ها و بحران‌هایی می‌شود که اگر نتواند آنها را مدیریت نماید نظام سیاسی دچار بی‌ثباتی شده و امنیت آن به شدت در معرض تهدید قرار می‌گیرد. بررسی و شناخت متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی از جمله روش‌های مهمی است که می‌توان تا حد زیادی در کنترل و مدیریت آنها نقش‌آفرینی کرد. در این پژوهش، مهمترین متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی، در قالب سه دسته متغیرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات مورد نیاز تحقیق به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) گردآوری شده است و ۱۴۶ متغیر با توجه به نظر نخبگان و صاحب‌نظران معرفی و مورد آزمون قرار گرفت، سپس متغیرها وزن‌دهی و رتبه‌بندی شده‌اند و مهمترین متغیرها در هر عامل شناسایی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در عامل سیاسی، وقوع انقلاب، کودتا، جنگ داخلی، کاهش مشروعیت رژیم؛ در عامل اجتماعی- فرهنگی، بروز آشوب‌های شهری، نابرابری اجتماعی، فساداداری- مدیریتی، کمبود آزادی‌های مدنی و سرانجام در عامل اقتصادی؛ نرخ بالای بیکاری، فساد مالی در نظام سیاسی- اداری، افزایش فقر و محرومیت و تبعیض اقتصادی مهمترین و تأثیرگذارترین متغیرها بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ثبات سیاسی، بی‌ثباتی سیاسی، نظام سیاسی..

## ۱- مقدمه

بدون تردید از اساسی‌ترین و کلیدی‌ترین مباحث در فضای سیاسی جهان موضوع بی‌ثباتی و ثبات نظام‌های سیاسی است. نظام سیاسی بیش از هر چیز نیازمند ثبات و آرامش سیاسی است تا به دور از هرگونه تهدید و در کمال اقتدار به اهداف خود نایل آید. اندیشمندان سیاسی نیز نخستین هدف سیاست و کارکرد نظام سیاسی را عبارت از نظم و ثبات تلقی نموده و بالتبع کنش‌های جمعی اعتراضی، به‌ویژه وقتی خشونت به دنبال آنها باشد را نشانه‌ی ناکارآمدی نهادهای سیاسی و جزء جدایی‌ناپذیر مفهوم بی‌ثباتی سیاسی محسوب کرده‌اند (Taleban, 2006 & Azimi, 2008). اگر کنش‌های بی‌ثبات‌کننده بتوانند به‌طور موفقیت‌آمیزی حکومت را از کنش بازدارند، به احتمال زیاد رژیم سرنگون خواهد شد. از این‌رو، حکومت‌ها معمولاً در پی طراحی و اجرای سیاست‌هایی هستند که در بلندمدت موجب پایداری و دوام آنها گشته و بقای آنها را مورد تهدید قرار ندهد. با این حال تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که تلاش حکومت‌ها در تحقق این هدف هیچ‌گاه کاملاً مقرون به توفیق نبوده است. به‌طوری‌که در هیچ دوره‌ای از تاریخ، حکومتی وجود نداشته که از خشونت سیاسی و ناآرامی اجتماعی کاملاً مصون مانده باشد (Gar, 2000: 56). سنجش و ارزیابی متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی همواره از مهمترین دغدغه‌های اندیشمندان در رشته‌های جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، علوم سیاسی و سایر رشته‌های مرتبط بوده است و در این زمینه تاکنون پژوهش‌های مختلفی نیز صورت گرفته است (Hafeznia & et al, 2006: 49). یکی از عوامل و متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی کشورها بررسی و شناخت عوامل و متغیرهای مؤثر در ایجاد بی‌ثباتی در یک نظام سیاسی و حکومت است که به‌طور قطع می‌تواند گام مهمی در مسیر برقراری ثبات در نظام‌های سیاسی باشد، موضوعی که این پژوهش در صدد بررسی آن است.

## ۲- روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. اطلاعات تحقیق به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده است. بدین ترتیب، در ابتدا با مراجعه به مقالات،

کتب، گزارشات آماری، بانک‌های اطلاعاتی و ... مهمترین متغیرها و شاخص‌های مؤثر بر ثبات و بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی گردآوری شد. در مرحله بعد این متغیرها در قالب سه گروه شامل متغیرهای عامل سیاسی، متغیرهای عامل اقتصادی و متغیرهای عامل اجتماعی- فرهنگی دسته‌بندی شدند. سپس پرسشنامه‌ای از نوع پرسشنامه بسته با مقیاس چند گزینه‌ای رتبه‌ای تدوین شد که در آن، مجموعه متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی جهت وزن‌دهی و رتبه‌بندی در اختیار صاحب‌نظران و خبرگان قرار گرفت. چون تحقیق از جامعه شناختی برخوردار نبود نمونه‌گیری انجام نشد و برای تکمیل پرسشنامه‌ها ۱۰۰ پرسشنامه بین اساتید دانشگاه‌های تهران و مشهد در رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مدیریت استراتژیک، اقتصاد و جامعه‌شناسی توزیع شد. پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت تهیه شده و از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود در قالب طیف پنج گزینه‌ای به وزن‌دهی متغیرها بپردازند. تعداد متغیرهای عامل سیاسی ۶۴، عامل اجتماعی - فرهنگی ۴۷ و عامل اقتصادی ۳۵ متغیر است. با توجه به اینکه متغیرها بر اساس نظریه‌های اندیشمندان مختلف داخلی و خارجی (۳۲ نظریه) گردآوری شده است تعداد متغیرهای هر عامل متفاوت است

### ۳- مبانی نظری

#### ۳-۱- تعاریف و مفاهیم

##### الف: ثبات و بی‌ثباتی

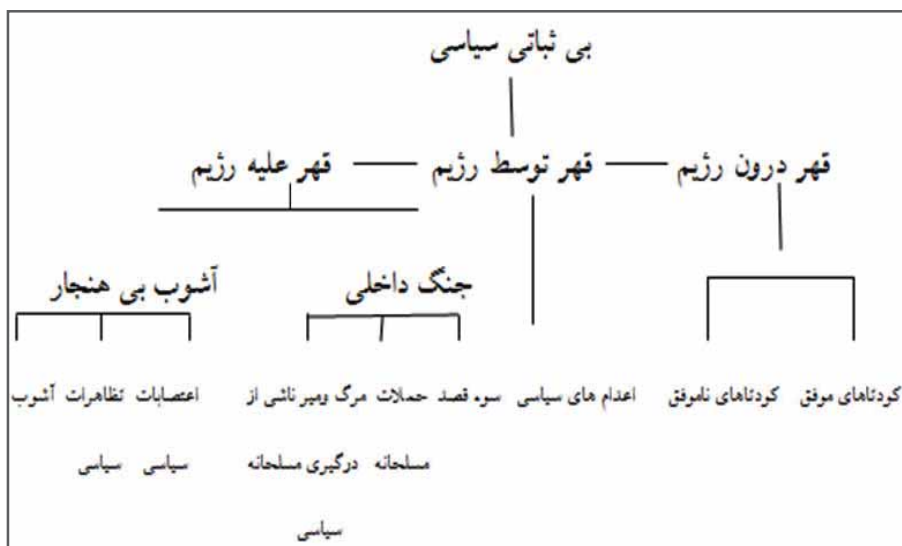
ثبات شامل قرار گرفتن در معرض حداقل تغییر است (Ahmadypour, 2006: 65) و عبارت است از عدم وقوع مستمر و مکرر حوادث، رفتارها و تحرکاتی که کارکرد منظم یک نظام را مورد تردید قرار دهد (Shams, 2004: 109). همچنین ثبات را می‌توان تغییر در محدوده‌ای معین تعریف کرد، فقدان تغییر نیز نشانگر ثبات صرف است. در مقابل بی‌ثباتی به معنی وقوع تغییر، فراتر از دامنه نوسانات معمولی است (Bercher & Vikfield, 2003: 61) و به فقدان قاعده‌مندی و هماهنگی اجزای یک سیستم اشاره دارد (Mansorian, 2003: 84).

### ب: ثبات سیاسی

ثبات سیاسی ناظر به وجود توازن بین «خواست‌های مردمی» از یک طرف و «کارکردهای دولتی» از طرف دیگر است. به تعبیر دیگر در درون هر جامعه‌ای چنانچه نظام سیاسی حاکم بتواند، به خواست‌های متنوع مردم پاسخ در خور و قانع‌کننده‌ای بدهد و نظام مزبور مطابق با باور، عقاید و در یک کلام ایدئولوژی مورد قبول جامعه باشد و از جانب آن تأیید شود آن نظام از ثبات برخوردار خواهد بود (Golizadeh, 2002: 2). به عقیده «ال‌سینا» و «پروتی» ثبات سیاسی نه در حفظ الگوی واحد و بدون تغییر بلکه در تحول مسالمت‌آمیز آن و حفظ نظم و آرامش در شرایط نوین معنا می‌دهد (Alesina, 1996: 201).

### ج: بی‌ثباتی سیاسی

مفهوم بی‌ثباتی سیاسی در علوم سیاسی و اجتماعی فاقد یک تعریف قطعی و مورد اتفاق همگان است (Kelark, 1974: 25). بی‌ثباتی سیاسی در ساده‌ترین و فراگیرترین معنای آن عبارتست از ناپایداری قدرت سیاسی مستقر، تزلزل و جابجایی سریع موقعیت‌ها و مناصب بازیگران سیاسی و ناپیگیری و دگرگونی پیاپی سیاست‌ها. بی‌ثباتی سیاسی موقعیتی است که در آن سازوکارها و شیوه‌های حل کشمکش و منازعات سیاسی از جمله اعمال خشونت سیاسی و حصول توافق سیاسی، یا کم اثر می‌شوند یا کاملاً از کار می‌افتند (Delavry, 1999: 15). در واقع کنش‌های خشونت‌آمیز هنگامی که ساختار قدرت سیاسی مستقر و حاکم را به چالش فرامی‌خواند، بی‌ثباتی سیاسی محسوب می‌شود (Bercher, 2003: 95).



نمودار شماره ۱: اشکال بی ثباتی سیاسی (Midary, 1994: 169)

### ۲-۳- نظریه‌ها

حوزه مطالعاتی خشونت و بی‌ثباتی سیاسی فاقد یک تئوری جامع و عام مورد توافق است، که در آزمون‌های متعدد تجربی تصدیق شده باشد. در مطالعه بی‌ثباتی سیاسی تعدادی تئوری رقیب وجود دارند که هر یک میزانی از حمایت/عدم حمایت تجربی را با خود یدک می‌کشند و هیچ‌کدام نیز در محافل آکادمیک به تئوری مسلط و غالب تبدیل نشده‌اند. قبل از مروری بر این تئوری‌ها لازم است خاطر نشان گردد که این نظریه‌ها انحصاراً به تبیین بی‌ثباتی سیاسی تعلق ندارند؛ بلکه در تحلیل و توضیح سایر پدیده‌های متداخل و هم‌خانواده با بی‌ثباتی، مثل خشونت سیاسی و کشمکش سیاسی یا برخی مصادیق و اجزای سازنده‌ی آنها مثل انقلاب، شورش، جنگ داخلی و ... به‌کار گرفته شده است.

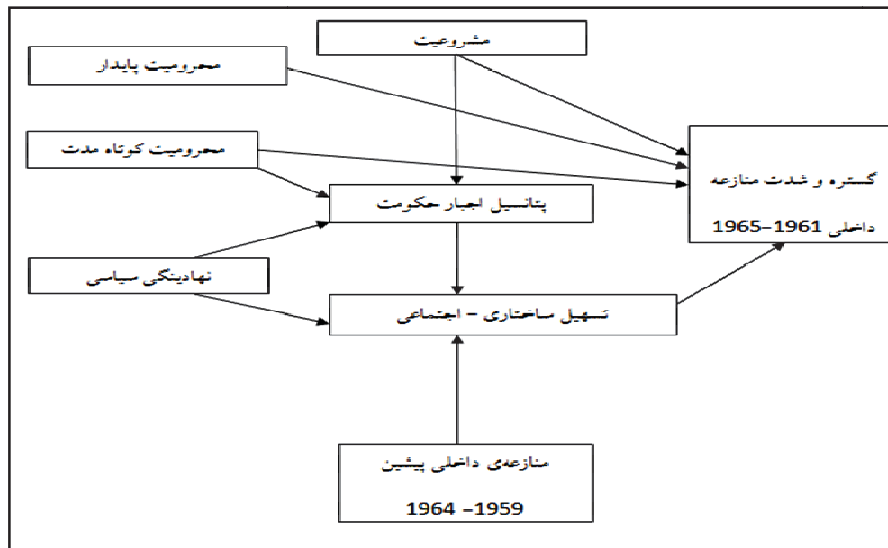
### ۱-۲-۳- رویکرد سه‌گانه محرومیت نسبی، بسیج منابع و وابستگی / نظام جهانی

در ارتباط با تعیین عوامل مؤثر بر خشونت و بی‌ثباتی سیاسی می‌توان سه رویکرد نظری را استخراج نمود: محرومیت نسبی (ناکامی - نارضایتی)، بسیج منابع (منازعه قدرت‌ستیز سیاسی) و وابستگی / نظام جهانی. فرض اساسی تمام تئوری‌های معطوف به نارضایتی در ظهور خشونت و بی‌ثباتی سیاسی این است که برخی شکل‌های نارضایتی که توسط انواع عدم تعادل‌های ساختاری و کارکردی در جامعه ایجاد می‌شوند، خود را به‌صورت خشونت سیاسی بروز می‌دهند. در مقابل، تئوری‌های بسیج منابع که تأکیدشان روی عوامل سیاسی است، معتقدند که نارضایتی‌ها عنصر اصلی و تعیین‌کننده اعتراضات سیاسی خشونت‌آمیز نیستند، بلکه منابع سیاسی و ساختار فرصت‌ها دامنه و شدت تضاد سیاسی خشونت‌بار درون یک کشور را تعیین می‌کنند (Gissinger, 1992: 329). سنت نظری وابستگی نظام جهانی برخلاف دو رویکرد قبلی تأکید خود را در تبیین خشونت و بی‌ثباتی سیاسی روی عوامل خارجی گذاشته است. حامیان این تئوری‌ها بر اهمیت روابط بین کشورها در هرگونه بررسی جهت توصیف و تبیین وقایع سیاسی پافشاری می‌کنند (Azimi, 2008: 87). پیش‌فرض اصلی دیدگاه نظام جهانی این است که جهان جدید از یک اقتصاد جهانی سرمایه‌داری تشکیل شده و دولت‌های ملی بخش‌هایی از یک کل هستند و برای فهم تعارض‌های طبقاتی داخلی و نزاع‌های سیاسی دولت خاص باید اقتصاد جهانی شناخته شود (Saeed, 2009: 1).

### ۲-۲-۳- مدل علی منازعات داخلی گار

گار<sup>۱</sup>، با استفاده از داده‌های مربوط به ۱۱۴ کشور جهان و بر اساس تئوری خویش، مدل علی را برای تحلیل منازعات داخلی یا خشونت سیاسی جمعی ارائه داده است که محرومیت نسبی علت اصلی این مدل محسوب می‌شود. البته، گستره و شدت منازعه داخلی یا خشونت سیاسی جمعی به میزان تأثیر متغیرهای میانجی و واسطه‌ای بستگی داشت که شیوه معین ابراز خشونت سیاسی را جهت و نظم می‌داد. این متغیرهای میانجی عبارت بودند از: مشروعیت؛ پتانسیل

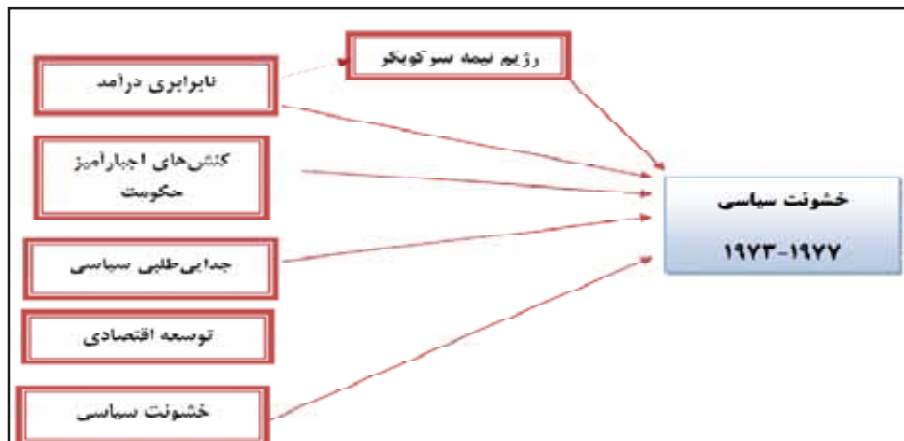
اجبار و فشار، نهادینه‌سازی سیاسی و تسهیل اجتماعی - ساختاری (Bermpong, 1996). مدل نهایی و تجدید نظر شده گار که در تحقیق وی مورد تأیید تجربی قرار گرفت، در نمودار شماره ۲ منعکس شده است.



نمودار ۲ شماره: مدل علی منازعات داخلی گار

### ۳-۲-۳- مدل علی مولر و سلیگسن

مولر و سلیگسن نابرابری اقتصادی را به دو بعد نابرابری ارضی و نابرابری درآمد تقسیم، و تلاش نمودند که اثر جداگانه هر یک را در مدلی انباشتی روی خشونت سیاسی ارزیابی نمایند. هر دو نوع نابرابری با استفاده از ضریب جینی (یکی برای توزیع زمین و دیگری برای توزیع درآمد) و خشونت سیاسی نیز تنها با یک معرف از شاخص جنگ داخلی هیبس یعنی مرگ و میرهای ناشی از خشونتهای سیاسی مورد سنجش قرار گرفت. یافته اصلی آنها این بود که در مدل انباشته‌ای که متغیرهای مستقل دیگری همچون توسعه اقتصادی، سرکوب رژیم، تجزیه‌طلبی سیاسی، خشونت سیاسی قبلی و فعالیت‌های حکومت در زمینه اعمال اجبار و زور وجود دارند، نابرابری ارضی برخلاف نابرابری درآمدی اثری روی خشونت سیاسی ندارد.



نمودار ۳: مدل علی مولر و سلیگسن (Taleban, 2006: 112)

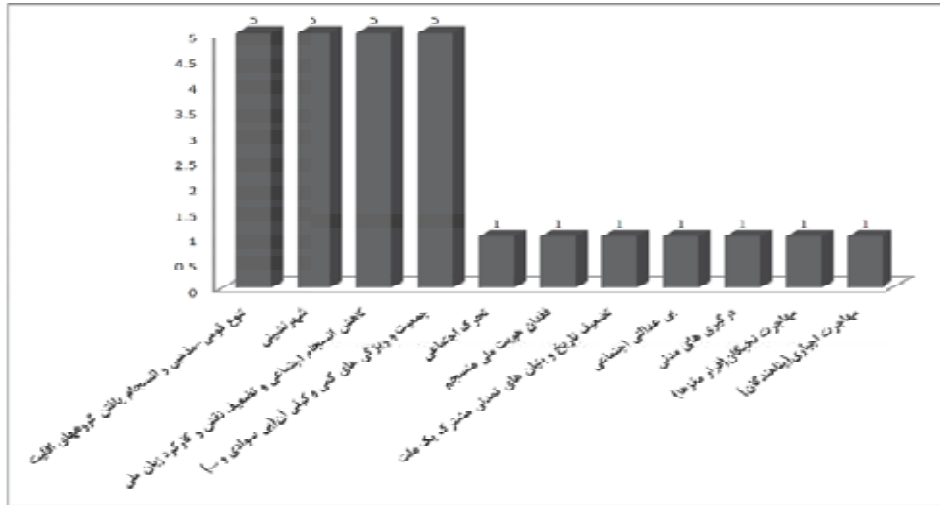
#### ۴- یافته‌های تحقیق

##### ۴-۱- متغیرها و عناصر بی‌ثباتی نظام سیاسی

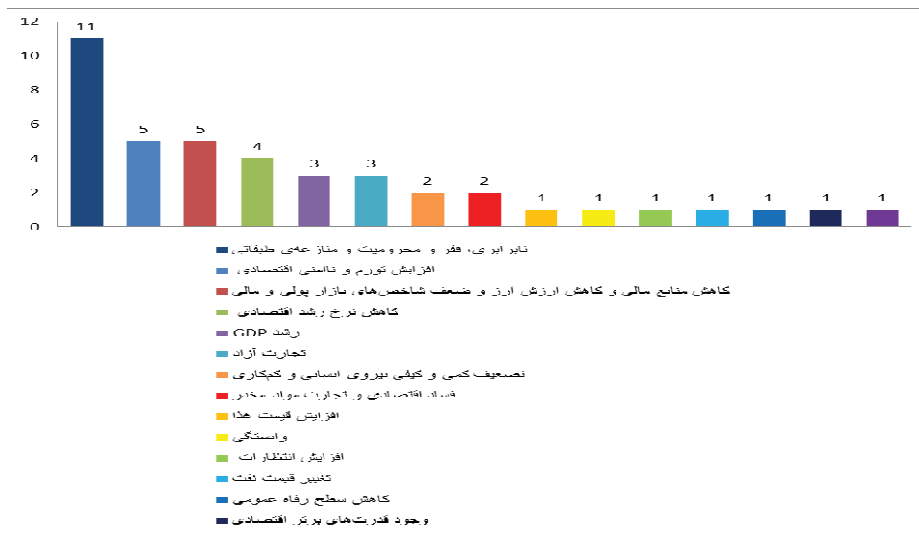
نگاهی به ادبیات بی‌ثباتی نظام سیاسی کاملاً آشکار می‌سازد که ارزیابی و سنجش این مفهوم امری دشوار است (Azimi Dolatabady, 2008: 75). در واقع همانند موضوع قدرت ملی که ارزیابی و سنجش آن با چالش‌هایی چون چندبعدی بودن قدرت، تعدد و تنوع متغیرها، ارزش متفاوت متغیرها، وجود متغیرهای کیفی و ... روبرو است (Zarghani, 2010: 160)؛ ارزیابی بی‌ثباتی سیاسی نیز با چنین چالش‌های اساسی روبرو است. بی‌ثباتی سیاسی دارای منشاء و مبادی گوناگونی است که در یک کارکرد جمعی سبب بی‌ثباتی نظام سیاسی می‌شوند. عوامل اصلی مسبب بی‌ثباتی در حوزه‌های مختلفی قرار دارند و عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظایر آن جملگی می‌توانند منشأ بی‌ثباتی شوند. این عوامل به صورت کمی و کیفی وجود دارند. یعنی متغیرهای هر یک از این عوامل مزبور ممکن است جنبه کمی و یا کیفی داشته باشند. از آنجایی که موضوع بی‌ثباتی سیاسی مورد توجه و نظر جغرافیدانان سیاسی، متخصصین علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و سیاستمداران بوده است، هر یک سعی







نمودار شماره ۵: میزان فراوانی متغیرهای اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی



نمودار شماره ۶: میزان فراوانی متغیرهای اقتصادی مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی

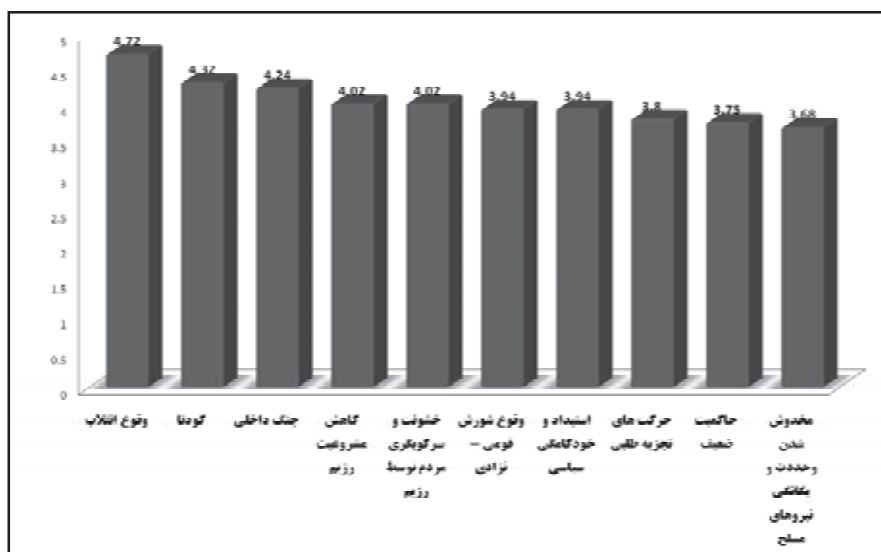
## ۲-۴- رتبه‌بندی عناصر بی‌ثباتی نظام سیاسی

همچنان‌که در بخش روش تحقیق اشاره شد، بعد از احصاء متغیرها از نظریه‌های مختلف، مجموعه متغیرها جهت وزن‌دهی و رتبه‌بندی در قالب پرسشنامه در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت. از نظر رتبه علمی پاسخ دهندگان؛ ۱۳ درصد در مرتبه استادی، ۳۰ درصد در مرتبه دانشجویی، ۴۵ درصد در مرتبه استادیاری و ۱۲ درصد دانشجوی دوره دکترا بودند. از نظر رشته علمی ۳۷ درصد پاسخ‌دهندگان تحصیل کرده جغرافیای سیاسی، ۲۸ درصد دارای رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ۱۹ درصد فارغ‌التحصیل علوم اجتماعی و مدیریت استراتژیک و در نهایت ۱۶ درصد نیز از رشته اقتصاد بوده‌اند.

به دلیل گستردگی حجم تحقیق و بالا بودن تعداد متغیرها و شاخص‌های مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی در قالب سه عامل از یک‌سو و همچنین به دلیل استفاده مفید از نظر خبرگان که به پرسشنامه‌ها پاسخ داده بودند، جهت اولویت‌بندی و انتخاب متغیرهای برتر در هر عامل از روش وزن‌دهی به هر متغیر استفاده شد. در این روش طیف پنج‌گانه لیکرت کدبندی عددی شد تا بتوان متغیرها را به صورت کمی مورد مقایسه قرار داد و متغیرهای برتر را شناسایی کرد. بر همین اساس طیف خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد به ترتیب ضریب ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ گرفتند و بر همین اساس هر کدام از متغیرها پس از شمارش فراوانی آنها در ضریب خود ضرب و سپس حاصل جمع ضرایب و میانگین هر متغیر برای تعیین متغیرهای برتر استفاده گردید به صورتی که در جداول ۱ تا ۳ آمده است.

جدول شماره ۱: مهمترین متغیرهای سیاسی مؤثر بر بروز بی‌ثباتی نظام سیاسی

ردیف	نام متغیر	حاصل جمع مجموع فرایب	میانگین
۱	وقوع انقلاب	۳۳۱	۴.۷۲
۲	کودتا	۲۰۲	۲.۲۲
۳	جنگ داخلی	۲۹۷	۴.۲۴
۴	کاهش مشروعیت رژیم	۲۸۲	۴.۰۲
۵	خشونت و سرکوبگری مردم توسط رژیم	۲۸۲	۴.۰۲
۶	رفوع <sup>۱</sup> و رزش <sup>۲</sup> قومی - زایی	۲۷۶	۳.۹۴
۷	استبداد و خودکامگی سیاسی	۲۷۶	۳.۹۴
۸	حرکتهای تجزیه طلبی	۲۶۶	۳.۸
۹	حاکمیت ضعیف	۲۶۳	۳.۷۵
۱۰	محدوش شدن وحدت و یگانگی نیروهای مسلح	۲۵۸	۳.۶۸



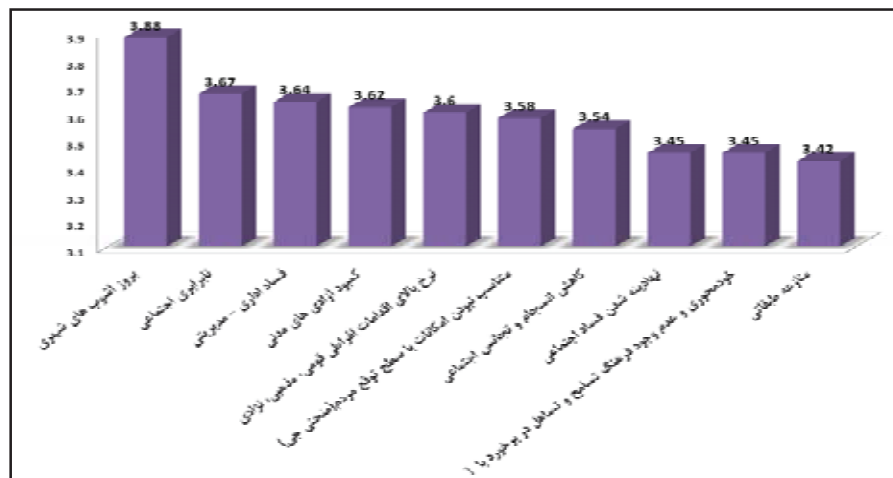
نمودار شماره ۷: تأثیرگذارترین متغیرهای سیاسی در بروز بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی

همچنان‌که در نمودار شماره ۷ نشان داده شده است، از نظر پاسخ‌دهندگان مهمترین متغیرهای سیاسی مؤثر بر بی‌ثباتی حکومت و نظام‌های سیاسی عبارتند از: وقوع انقلاب، کودتا، جنگ داخلی، کاهش مشروعیت رژیم، خشونت و سرکوبگری مردم توسط حکومت، وقوع

شورش‌ها با منشأ قومی - نژادی، استبداد حکومت، اقدامات تجزیه‌طلبانه، ضعف حاکمیت و تشت و تفرقه در نیروهای مسلح.

ردیف	نام متغیر	حاصل جمع مجموع نواب	تکین
۱	بروز آشوب‌های شهری	۲۷۲	۳.۸۸
۲	نابرابری اجتماعی	۲۵۷	۳.۶۷
۳	فساد اداری - مدیریتی	۲۵۵	۳.۶۴
۴	کسب آزادی‌های مدنی	۲۵۴	۳.۶۲
۵	تخریب بالای اقدامات افراطی قومی، مذهبی، نژادی	۲۵۲	۳.۶
۶	متناسب نبودن امکانات با سطح توقع مردم (محتنی جی)	۲۵۱	۳.۵۸
۷	کاهش انسجام و تجانس اجتماعی	۲۴۸	۳.۵۴
۸	تهدید به شدن فساد اجتماعی	۲۴۲	۳.۴۵
۹	خودمهوری و عدم وجود فرهنگ تسامح و تساهل در برخورد با سایر عقاید و گروه‌ها	۲۴۲	۳.۴۵
۱۰	هتازته‌ی طبقاتی	۲۴۰	۳.۴۲

جدول شماره ۲: مهمترین متغیرهای اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر بروز بی‌ثباتی نظام سیاسی همچنان‌که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، در بین متغیرهای اجتماعی و فرهنگی مواردی چون آشوب‌های شهری، نابرابری و تبعیض اجتماعی، فساد اداری و مدیریتی، کمبود آزادی‌های مدنی، افراط‌گری‌های قومی - مذهبی - نژادی پنج متغیر مهم اجتماعی - فرهنگی محسوب می‌شوند که از نظر خبرگان بیشترین تأثیر را در بی‌ثباتی نظام سیاسی دارند.

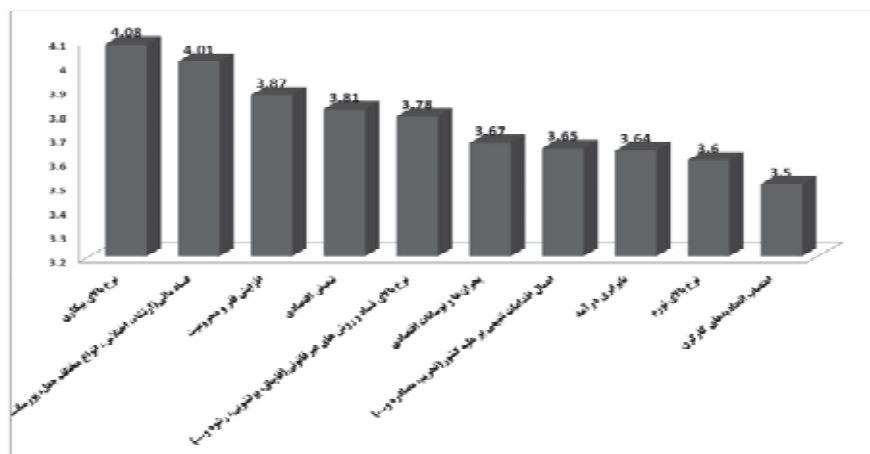


نمودار شماره ۸: تأثیرگذارترین متغیرهای اجتماعی - فرهنگی در بروز بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی یافته‌های میدانی تحقیق نشان می‌دهد که از نظر پاسخ دهندگان در بین متغیرهای عامل

اقتصادی، نرخ بالای بیکاری، فساد مالی، فقر و محرومیت، تبعیض اقتصادی، بحران‌های اقتصادی، تحریم‌ها، نرخ بالای تورم و نابرابری درآمد و شکاف طبقاتی بیشترین تأثیر را در بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی دارند. جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۹ نشان‌دهنده این موضوع است.

جدول شماره ۳: مهمترین متغیرهای اقتصادی مؤثر بر بروز بی‌ثباتی نظام سیاسی

ردیف	متغیرهای اقتصادی که بیشترین تأثیر را بر بی‌ثباتی نظام سیاسی دارند	حاصل جمع مجموع ضرایب	میانگین
۱	نرخ بالای بیکاری	۲۸۶	۴۰۸
۲	فساد مالی در نظام سیاسی-اداری (ارتش، اختلاس، انواع مختلف جعل-رشوه، پورسانت و ...)	۲۸۱	۴۰۱
۳	افزایش فقر و محرومیت	۲۷۱	۳۸۷
۴	تبعیض اقتصادی	۲۶۷	۳۸۱
۵	نرخ بالای فساد و روش‌های غیرقانونی در کشور (قاچاق...)	۲۶۵	۳۷۸
۶	بحران‌ها و نوسانات اقتصادی	۲۵۷	۳۶۷
۷	اعمال اقدامات تبلیغی بر علیه کشور (تحریم، مصادره و...)	۲۵۶	۳۶۵
۸	نابرابری درآمد	۲۵۵	۳۶۴
۹	نرخ بالای تورم	۲۵۲	۳۶
۱۰	اعتصاب اتحادیه‌های کاری	۲۴۵	۳۵



نمودار شماره ۹: تأثیرگذارترین متغیرهای اقتصادی در بروز بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی

## ۵- تجزیه تحلیل و نتیجه‌گیری

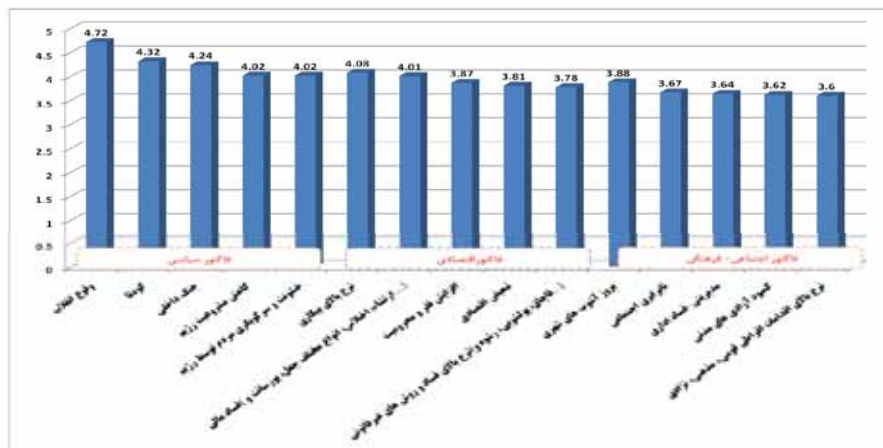
بدون تردید برقراری و استمرار ثبات و دوری از بی‌ثباتی سیاسی از مهمترین دغدغه‌های حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی در جهان به‌شمار می‌رود. نظام‌های سیاسی بیش از هر چیز نیازمند ثبات و آرامش هستند تا به دور از هرگونه تهدید و در کمال اقتدار به اهداف خود نایل آیند. یکی از مهمترین موضوعات در بحث بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی، شناخت متغیرها و شاخص‌های مؤثر در بروز بی‌ثباتی سیاسی است. با بررسی و شناخت متغیرها و عوامل مؤثر بر بروز بی‌ثباتی نظام سیاسی، حکومت‌ها می‌توانند با اقدامات پیشگیرانه به رفع یا کاهش اثر آنها اقدام کرده و مانع از بروز بی‌ثباتی در کشور خود شوند. اما شناخت متغیرها و شاخص‌های بی‌ثبات کننده نظام سیاسی، با چالش‌های عمده و اساسی روبرو است. واقعیت این است که مفهوم ثبات و بی‌ثباتی سیاسی مفهومی چندوجهی است و به همین جهت درباره معانی و مصادیق آن اختلاف زیادی وجود دارد. نظام‌های سیاسی گوناگون برداشت‌های متفاوتی از آن به‌دست داده‌اند به‌گونه‌ای که پدیده‌هایی از قبیل نقد و تحلیل عملکرد دولتمردان، مشارکت‌های اعتراض‌آمیز و رقابت‌های سیاسی فزاینده در درون پاره‌ای از نظام‌ها عین بی‌ثباتی و در برخی دیگر از مصادیق ثبات سیاسی به حساب می‌آیند. علاوه بر این، عوامل مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی حکومت‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و ژئوپلیتیکی قرار دارد و وزن هر کدام از این عوامل و متغیرها در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد.

نگاهی به ادبیات بی‌ثباتی نظام سیاسی کاملاً آشکار می‌سازد که سنجش این مفهوم امری کاملاً دشوار است. به‌عبارت دقیق‌تر، بی‌ثباتی مفهومی چندبعدی و دارای اجزاء مختلف است و بنابراین نمی‌توان برای توصیف و اندازه‌گیری میزان بی‌ثباتی به یک یا چند عنصر از اجزاء آن اکتفا نمود. بلکه باید برحسب تمامی مصادیق بی‌ثباتی را اندازه‌گیری کرد. ضمن اینکه همه مصادیق از اهمیت یکسان برخوردار نیستند و تفاوت کیفی میان مصادیق وجود دارد. مثلاً به هیچ وجه کودتا و سوءقصد بیانگر یک میزان از بی‌ثباتی نیستند و بنابراین باید در اندازه‌گیری بی‌ثباتی وزن‌های مختلفی به هر یک از مصادیق بی‌ثباتی داده شود. با وجود این چالش‌ها، تلاش در جهت بررسی و شناخت متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی، می‌تواند از حیث نظری به گسترش ادبیات این

موضوع بینجامد تا در نهایت در قالب پژوهش‌های مکرر به‌طور نسبی مهمترین متغیرهای بی‌ثبات کننده نظام‌های سیاسی شناخته شود و مدلی نیز جهت سنجش میزان بی‌ثباتی طراحی شود.

در این پژوهش تلاش شد تا ضمن بررسی آراء و نظریه‌های اندیشمندان مهمترین متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی احصاء شود و سپس با مراجعه به صاحب‌نظران میزان اهمیت هر کدام از این متغیرها مورد ارزیابی قرار گیرد. طبق نتایج به‌دست آمده از امتیازدهی به متغیرها، برای هر عامل، تعدادی متغیر که بیشترین تأثیر و کمترین تأثیر را بر بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی دارند مشخص شد. همان‌گونه که در نمودار شماره ۱۰ مشخص است، به‌ترتیب برای عامل سیاسی: وقوع انقلاب، کودتا، جنگ داخلی، کاهش مشروعیت رژیم، خشونت و سرکوب‌گری مردم توسط رژیم، وقوع شورش قومی - نژادی، استبداد و خودکامگی سیاسی، حرکت‌های تجزیه‌طلبی مهمترین و تأثیرگذارترین متغیرها بوده‌اند. در عامل اجتماعی - فرهنگی: بروز آشوب‌های شهری، نابرابری اجتماعی، فساد اداری - مدیریتی، کمبود آزادی‌های مدنی، نرخ بالای اقدامات افراطی قومی - مذهبی و نژادی، کاهش انسجام و تجانس اجتماعی مهمترین و تأثیرگذارترین متغیرها بوده‌اند. در نهایت در عامل اقتصادی: نرخ بالای بیکاری، فساد مالی در نظام سیاسی - اداری (ارتشاء، اختلاس، انواع مختلف جعل، پورسانت، قاچاق، پولشویی، رشوه و غیره)، افزایش فقر و محرومیت، تبعیض اقتصادی، اعمال اقدامات تنبیهی بر علیه کشور(تحریم، مصادره و غیره)، نابرابری درآمد و نرخ بالای تورم مهمترین و تأثیرگذارترین متغیرها بوده‌اند.





نمودار شماره ۱۰: مهمترین متغیرهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر بی‌ثباتی نظام سیاسی پژوهش حاضر تلاش کرد با مرور نظریه‌ها به شناخت متغیرها دست یابد و با مراجعه به نظر صاحب‌نظران به وزن‌دهی و رتبه‌بندی آنها اقدام نماید. به‌طور قطع، تکمیل فرایند این پژوهش در قالب پایان‌نامه و رساله‌های دکتری در رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، مدیریت استراتژیک و... در نهایت می‌تواند منجر به طراحی مدلی جهت سنجش میزان بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی شود.

## ۶- قدردانی

مقاله حاضر بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی در دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد، لذا نگارندگان از دانشگاه فردوسی مشهد به‌خاطر حمایت‌های مادی و معنوی تشکر می‌نمایند.

### References

- 1.Ahmadypour, Zahra and Mansorian,Alireza (2006), Country subdivisions and political instability in Iran(1285-1357), Geopolitics Quarterly, Vol 2, No. 1, [in persian].
- 2.Ahmadi, Rahele(2012), Evaluation variables affecting the instability of political systems, Dissertation of political geography, Ferdowsi university of mashhad, [in persian].
- 3.Ahmadi, Hamid(2006), Political stability, democracy and civil society in heterogeneous societies and Lebanon experience, middle east journal, [in persian].
- 4.Hafeznia, Mohamadreza; Zarghani Seyed Hadi, Ahmadypour, Zahra; Roknedyn Eftekhary, Abdalreza (2006), Presentation a new model for measuring national power of countries, Geopolitics Quarterly, Vol 2, No 2, [in persian].
- 5.Khaje Sarvy, Golamreza (2003), Political contest and political stability in iran publication: Center of acts, [in persian].
- 6.Delavari, Abolfazl, (1999), Study of Causes political violence and instability in Iran, thesis of political science, Tehran University, [in persian].
- 7.Dehhoda, Aliakbar (1994), Dictionary, Vol 5, Tehran university press, [in persian].
- 8.Zarghani, Seyed Hadi(2010), Analysis of models for measuring national power, Geopolitics Quarterly, Vol. 6, NO. 1[in persian].
- 9.Sunserz, David, (2001), Models of political instability, Strategic Studies publication, [in persian].
- 10.Saee, Ahmad, (2009), Evaluation of world order theory, political studies Quarterly, Vol 2, NO. 5 [in persian].
- 11.Shams, Abdolhamid (2004), sustainability of systems, Modaress journal, Vol 33, [in persian].
- 12.Azimi Dolatabadi, Amir,(2008), Conflict between political elites and political stability islamic republic of Iran, tehran, [in persian].
- 13.Taleban, Mohamadreza(2006), Sociological explanation of political instability, thesis of political science, Tarbiat Modarres University, [in persian].
- 14.Gar, Ted Robert (2000), A causal model of civil conflicts asgar efteakhary, safir publication, [in persian].
- 15.Gelyani, Ali (1999), Legitimation and Political stability in Iran, thesis of political science, Tarbiat Modarres University, [in persian].
- 16.Goli Zadeh, Behnam (2010) Influence of media on political stability, publications Tehran University [in persian].
- 17.Bercher, Maikel and Vikfild, Janatan (2003), Crises, conflict and instability, Strategic Studies publication, [in persian].

18. Mansorian, Alireza (2003), Influence of country subdivisions on political instability, Dissertation of political geography, Tarbiat Modarres University, [in persian].
19. Midary, Ahmad (1994), Political instability in economists' thought, Rahbord Quarterly [in persian].
20. Alesina Alberto & Perotti Roberto (1996), Income distribution, Political instability, and investment, European Economic Review 40.
21. Brempong, Kwabena & Traynor Thomas (1996), Political Instability Saving in Less Developed Countries, The Journal of Developed Studies.
22. Gissinger Ranvieg & Gleditsch Nils Petter (1992), Globalization and Conflict, Journal Of World Systems Research.